

مقایسه تطبیقی اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی اوباما و ترامپ در قبال ایران

رضا حق‌شناس گرگابی^۱، حسین احمدی^۲، محمدعلی بصیری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹

چکیده:

اتاق‌های فکر ایالات متحده آمریکا نقش ویژه‌ای در تصمیم‌سازی سیاستمداران این کشور داشته‌اند. مساله اصلی این است که اتاق‌های فکر چه تأثیری بر روابط با ایران دارد. این مقاله به بررسی نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی دستگاه سیاست‌خارجی آمریکا در قبال ایران همزمان با ریاست جمهوری اوباما و ترامپ پرداخته است. تغییر تصمیم‌سازی ناشی از تغییر اتاق‌های فکر در دوران دو رئیس‌جمهور بوده است. سوال اصلی این است که نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی دستگاه سیاست‌خارجی اوباما و ترامپ در قبال ج.ا.ایران چگونه بوده است؟ اتاق‌های فکر با نخبگان فکری و اجرایی و تدوین سیاست‌خارجی و طراحی سناریوهای مختلف بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه سیاست‌خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوباما و ترامپ جهت داده‌اند. اوباما با مذاکره، سرانجام برجام را امضا کرد که اقدام به کاهش تحریم‌های مرتبط می‌کرد. ترامپ از برجام خارج شد. اوباما با سناریو مذاکره که از اتاق‌های فکر نشأت گرفته بود باعث توافق برجام شد و ترامپ با سناریو فشار و تحریم اتاق‌های فکر باعث خروج از برجام شد. این تغییر سناریو به دلیل تغییر اتاق‌های فکر از معتدل به نئومحافظه‌کار و تندرو بود. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر اتاق‌های فکر بر تصمیمات دستگاه سیاست‌خارجی آمریکا و بهره‌گیری از آن در جهت اتخاذ پاد استراتژی در مقابله با سیاست‌های آمریکا در قبال ایران است. طبق نتایج حاصله با بهره از روش مقایسه‌ای اتاق‌های فکر مورد تأیید اوباما رویکرد مذاکره و ترامپ تحریم و فشار را برگزیدند.

واژگان اصلی: اتاق فکر، اوباما، ایالات متحده آمریکا، ترامپ، ایران، مطالعه تطبیقی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شهرضا، ایران

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

اتاق‌های فکر در تحول سیاست خارجی، شکل‌دهی و تنظیم موضوعات استراتژیک در عرصه‌ی سیاست و سیاستگذاری در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا نقش حیاتی ایفاء می‌کنند. کارکرد آن‌ها در تحلیل، مشاوره و خط‌مشی‌گذاری مستقل از احزاب سیاسی و دولت‌هاست. کارکرد ابتدایی اتاق‌های فکر به عنوان نهادهای جامعه مدنی فهم و درک نگرانی‌های ملی و اجتماعی است.

موضوعات مربوط به ایران، یکی از مسائل مهم مورد بررسی و پژوهش در اتاق‌های فکر مستقر در ایالات متحده می‌باشد. بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نشان می‌دهد تغذیه فکری که باعث تصمیم‌سازی دستگاه سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران می‌شود از تحریم‌ها گرفته تا مذاکرات از اتاق‌های فکر آمریکا نشأت می‌گیرد و اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولت‌مردان آمریکا در تصمیم‌سازی سیاست خارجی کاخ سفید به خصوص دستگاه سیاست خارجی این کشور در قبال ایران بسیار تأثیرگذار بوده است. بررسی رویکردها و نحوه‌ی شکل‌گیری این طرح‌ها در قبال ایران، می‌تواند منجر به آگاهی‌سازی و در پی آن اتخاذ شیوه‌های مقابله‌ای هوشمندانه و مؤثر شود. گسترش طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی در مورد ایران پس از انقلاب اسلامی و تشدید آن‌ها در سال‌های اخیر، اهمیت روشنگری در خصوص رویکردها، طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی، در مراکز و اندیشکده‌های تصمیم‌ساز و صاحب نفوذ در سیاست خارجی را چندین برابر کرده است.

برخی از اندیشمندان اتاق‌های فکر معتقدند باید روابط با ایران گسترش یابد. دسته‌ای براین باورند که باید محدودیت‌های بیشتری علیه ایران ایجاد شود و گروه سوم بر ضرورت رویارویی و مقابله با ایران تأکید دارند. با توجه به اهمیت و نقش اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به تصمیم‌گیری‌های دستگاه سیاست خارجی آمریکا، در این مقاله سعی بر این است تا به بررسی نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی در آمریکا بپردازد. جایگاه ایران در پژوهش‌های حائز اهمیت است. تلاش بر این است ضمن بازه‌دهی به پژوهش‌های راه برای مقایسه نقش اتاق‌های فکر بر تصمیم‌سازی بین دو رئیس‌جمهور ایالات متحده اوباما^۱ و ترامپ^۲ در قبال ایران را پژوهش کرد. استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری درک پژوهش مدنظر را ساده‌تر خواهد کرد. به نظر می‌رسد برای تحلیل موضوعات مرتبط با اتاق‌های فکر مدل‌های تصمیم‌گیری مناسب باشد. در تحقیق مدنظر تصمیم‌سازی اوباما و ترامپ نقش متغیر وابسته و اتاق‌های فکر نقش متغیر مستقل را دارد.

1 Barak Obama

2 Donald John Trump

نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی دستگاه سیاست خارجی اوپاما و ترامپ در قبال ج.ا.ایران چگونه بوده است؟ اتاق‌های فکر با نخبگان فکری و اجرایی و تدوین سیاست خارجی و طراحی سناریوهای مختلف بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوپاما و ترامپ جهت داده‌اند. اوپاما با مذاکره، سرانجام برجام را امضا کرد که اقدام به کاهش تحریم‌های مرتبط می‌کرد. ترامپ از برجام خارج شد. اوپاما با سناریو مذاکره که از اتاق‌های فکر نشأت گرفته بود باعث توافق برجام شد و ترامپ با سناریو فشار و تحریم اتاق‌های فکر باعث خروج از برجام شد. این پژوهش به بررسی نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی اوپاما و ترامپ در قبال ایران می‌پردازد. در این پژوهش از روش مقایسه‌ای با توجه به همزمانی با دوران دو رئیس‌جمهور آمریکا اوپاما و ترامپ استفاده شود در کنار آن از نظریه تصمیم‌گیری همراه با تحقیق استفاده شده است. هدف پژوهش شناخت ماهیت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، شناخت دست‌های پشت پرده در سیستم حکومتی آمریکا، شناخت ساختار غیررسمی تصمیم‌گیری در آمریکا، شناخت انواع اتاق‌های فکر، بررسی تأثیر اتاق‌های فکر بر تصمیمات دستگاه سیاست خارجی و بهره‌گیری از آن در جهت اتخاذ پاد استراتژی در مقابله با سیاست‌های آمریکا در قبال ایران است.

۱) پیشینه پژوهش

کتاب «ایران در نگرش اطاق‌های فکر آمریکایی» نوشته زهره پوستینچی و ابراهیم متقی مجموعه‌ای از رهیافت‌های تحلیلی و رویکردهای اجرایی نهادهای آمریکایی برای مقابله با ایران را در اختیار می‌گذارد. این پژوهش براساس الگوی تحلیل داده‌ها سازماندهی شده است. هر رویکرد و اظهار نظر ارائه شده از سوی مقامات اجرایی و کارگزاران سیاست خارجی آمریکا به عنوان داده تحقیقاتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این کتاب تلاش شده تا تحلیل نهایی از ادراک گروه‌های استراتژیک، امنیتی و دیپلماتیک آمریکا نسبت به ایران ارائه شود.

مقاله «نقش اتاق‌های فکر در اعمال تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران» نوشته سید جواد امام‌جمعه‌زاده و مجتبی بابایی، در آن به جریان‌شناسی و ریشه‌یابی تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران پرداخته شده است. در این مقاله اشاره شده که هم سویی فکری و ارتباط متقابل در طراحی تحریم‌های آمریکا علیه ایران وجود دارد. اتاق‌های فکر، لابی‌های اسرائیل، رسانه‌های جمعی و طراحان تحریم ایران در دولت و کنگره آمریکادر این ارتباط نقش‌آفرینی می‌کنند. همچنین در این مقاله اشاره شده است

اتاق‌های فکر با مفهوم‌سازی و سناریوپردازی به توجیه افکار عمومی و طراحان تحریم پرداخته و نقش آنان پیاده‌سازی و عملیاتی ساختن تحریم‌ها است. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش اتاق‌های فکر در آمریکا در اعمال تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران است.

جیانگلی سو در مقاله‌ای با عنوان "Think Tanks in the United States: The Evolution and Evolving Roles" اتاق‌های فکر را به عنوان نیروی مهم در زمینه سیاست‌گذاری در ایالات متحده می‌داند که نفوذ این مراکز در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. این مقاله ادعا می‌کند که جو سیاسی و تاریخی ایالات متحده توسعه مراکز تحقیقاتی را افزایش داده است. نویسنده بر این اعتقاد است که اتاق‌های فکر واقعاً ابزار سیاست آمریکا هستند. نویسنده شش نقش عمده برای اتاق‌های فکر قائل است. ۱. منبع برای اندیشه سیاسی؛ ۲. محلی برای برقراری ارتباط و شروع ایده‌های جدید سیاسی؛ ۳. منابع برای نیروهای اجرایی؛ ۴. آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم؛ ۵. ارزیابی سیاست‌های دولت؛ و ۶. پیگیری دیپلماسی دوم.

اولیور اروتیا در مقاله‌ای با عنوان "The role of Think Tanks in the definition and application of defence policies and strategies" به بررسی نقش اتاق‌های فکر در زمینه دفاع و روابط بین‌الملل می‌پردازد. اتاق‌های فکر را بازیگر اصلی در مدیریت سیاست‌های دفاعی و ایجاد استراتژی‌های نظامی می‌داند. در این مقاله اتاق‌های فکر و نقش آن‌ها در زمینه دفاع و امنیت در آمریکا با دو کشور فرانسه و اسپانیا مقایسه می‌شود. دو کشور اروپایی فرانسه و اسپانیا با قدرتی متوسط با تفاوت‌های عمیق در مرزها، تاریخ، فرهنگ و پروژه اروپایی. نویسنده بر این اعتقاد است که اتاق‌های فکر در دموکراسی‌ها از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است به همین ترتیب به مقایسه وضعیت اتاق‌های در ایالات متحده پرداخته است.

مهمترین وجه تمایز پژوهش پیش‌رو نسبت به کارهای دیگر در بازه زمانی است که تا زمان تدوین آن را در برمی‌گیرد که در نوع خود بدیع است. در این پژوهش با بهره‌گیری از به روزترین منابع با به‌کارگیری جدیدترین نظریات نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی دستگاه سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوپاما و ترامپ بررسی شده است. مهمترین وجه تمایز با سایر منابع در این حوزه، بررسی دقیق‌تر اتاق‌های فکر آمریکا و تأثیر نظرات این اندیشگدها بر سیاست خارجی آمریکا، مخصوصاً روابط با ایران بوده است. امید می‌رود این پژوهش بتواند در حل مسائل و مشکلات ایران راهگشا باشد.

۲) مبانی نظری:

روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا بسیار پیچیده است. دلیل این پیچیدگی برمی‌گردد به این که آمریکا کشور تازه تأسیسی است و به شکلی طرح‌ریزی شده که دولتی قوی و غیرمتمرکز داشته باشد و بدین‌گونه از دیکتاتوری دولت بر مردم جلوگیری شود. بنابراین، سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده یک نظام پیچیده اجتماعی - سیاسی است که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را دربرمی‌گیرد و تصمیماتی که شکل می‌گیرند تحت تأثیر هر دو نهاد رسمی و غیررسمی قرار دارند. نهادهای سیاست‌گذار رسمی و تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده شامل قوه مجریه، کنگره و بوروکراسی (که به عنوان یک واحد عمل می‌کنند) می‌شوند و سیاست‌گذاران غیر رسمی گروه‌های ذی‌نفوذ متعددی را دربرمی‌گیرند. دیگر دلیل پیچیدگی در سیاست خارجی آمریکا، متنوع و متکثر بودن تعداد بازیگران سازمانی (نهادی) و شخصی است.

مؤسسات مطالعات سیاسی یا همان اتاق‌های فکر در آمریکا تأثیر بسیاری در تصمیم‌سازی‌های مسئولان و تصمیم‌گیران رسمی در این کشور دارد. مراکز فکری آمریکا با تدوین و ارائه سناریو سیاست خارجی برای نخبگان سیاسی، با توجه به مزایا و هزینه‌های هر سناریو راهکار ارائه می‌کنند. اتاق‌های فکر را می‌توان مجموعه‌های سازمان‌یافته‌ای در نظر گرفت که با مطالعات خود، پیشنهادهایی را در رابطه با سیاست داخلی و همچنین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ارائه می‌دهند. اتاق‌های فکر به شکل کلی مشارکت و همکاری‌هایی را با حزب‌های سیاسی، ساختار حکومتی، گروه‌های ذی‌نفوذ و شرکت‌های خصوصی انجام می‌دهند.

مؤسسات مطالعات سیاسی یا اتاق‌های فکر، غیرحکومتی هستند و دارای کارکرد و جهت‌گیری فراحزبی هستند. تنوع قابل توجه اتاق‌های فکر در آمریکا سبب شده تا در زمینه‌های تحلیل سیاسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین‌الملل به فعالیت بپردازند. این فعالیت‌های پژوهشی به شکل کتاب، تک‌نگاره، گزارش، برگزاری همایش و گردهمایی ارائه می‌شود و این انتشار برای توجیه مسئولان و تصمیم‌گیران رسمی می‌باشد. می‌توان مهمترین فعالیت اتاق‌های فکر را معطوف به موضوعات سیاست، حکومت، قدرت و امنیت دانست. برای تحقق اهداف راهبردی آمریکا در حوزه‌های یاد شده، مطالعاتی درباره‌ی توزیع قدرت بین حوزه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی انجام گرفته است. بسیاری از مؤسسه‌هایی که دارای فعالیت‌های طولانی مدت پژوهشی در راستای تولید فکر بوده‌اند، هزینه‌های خود را پس از دهه‌ی ۱۹۸۰ افزایش داده‌اند. با چنین افزایشی در هزینه‌ها، اتاق‌های فکر

در شرایط سازمان‌یافته‌تری قرار می‌گیرند و خدمات بیشتری را برای حکومت و گروه‌های ذی‌نفوذ در آمریکا ارائه می‌دهند. فعالیت اتاق‌های فکر بعد از جنگ سرد افزایش یافته است. علت آن را می‌توان در ضرورت مقابله هوشمند و راهبردی آمریکا با تهدیدات و بحران‌های امنیتی دانست.

هریک از اتاق‌های فکر آمریکا به مراکز اجرایی و تحقیقاتی خاصی وابسته است. به عبارت دیگر چنین مراکزی تلاش دارند تا نقش سازنده‌تری در سیاست امنیتی آمریکا ایفا کنند. نظریه‌پردازان و تحلیلگران سیاست خارجی در این مراکز فعالیت دارند. آنان برای لابی‌های آمریکایی و همچنین نهادهای حکومتی آمریکا به تولید اندیشه و راهبرد اجرایی مبادرت می‌کنند.

موضوع ایران همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده بوده است. مقابله با ایران نیازمند تولید اندیشه و سازوکارهای راهبردی است که از سوی اتاق‌های فکر تولید و به عنوان زیربنای اندیشه راهبردی در نهادهای بوروکراتیک ایالات متحده تبدیل به سیاست‌های رسمی آمریکا می‌شود. بنابراین، امنیت‌سازی از طریق گسترش فعالیت اتاق‌های فکر، زمینه‌های لازم برای هنجارسازی امنیتی را فراهم می‌سازد. هرگونه تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی بدون توجه به فعالیت اتاق‌های فکر امکان‌پذیر نخواهد بود. ده‌ها اتاق فکر در آمریکا فعالیت خود را برای تبادل ادبیات رقیب در حوزه سیاست خارجی و امنیتی فراهم می‌سازند. به همین دلیل موضوعات مرتبط با ایران، از مهمترین مسائل مورد بررسی و تحقیق در اتاق‌های فکر آمریکا بوده است.

رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از تحریم تا مذاکره نشأت گرفته از همین اتاق‌های فکر است برخی نخبگان بر توسعه روابط با ایران معتقد هستند. دسته دیگر بر این باورند باید محدودیت‌ها علیه ایران بیشتر شود و آخرین دسته تأکید دارند که باید به مقابله و رویارویی با ایران پرداخت.

گراهام آلیسون^۱ دو مدل «روند سازمانی» و «سیاست دیوانسالاری» را برای تعدیل عقلانیت مطلق‌گرایانه اسنایدر^۲ را ارائه می‌کند. در مدل روند سازمانی آلیسون، تصمیم‌گیری مبتنی بر این مفروض است که حکومت یک کشور مجموعه‌ای یک پارچه نیست. برعکس، حکومت متشکل از هرمی از سازمان‌های مختلف تصمیم‌گیری است. با این توضیح مشخص می‌شود رفتار خارجی حکومت در پاسخ به نیاز منافع ملی ناگزیر از کانال این سازمان‌های مسئول به پاسخگویی می‌گذرد.

آلیسون علاوه بر جبریت‌های ناشی از ساخت سازمان اداری تصمیم‌گیری، بازی قدرت بین افراد

1 Graham Tillet Allison, Jr

2 Richard Snyder

تصمیم‌گیرنده نیز در شکل‌گیری نهایی تصمیم مؤثر می‌داند. بنابراین آلیسون مدل «سیاست دیوان‌سالاری» را مطرح می‌کند.

آلیسون ادعا می‌کند که پیامد بازی‌های سیاسی برآیند مذاکره میان افراد تصمیم‌گیرنده چنان است که هر کدام از انسان‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی خواهان دستیابی به هدفی خاص و یا تعبیری خاص از منافع ملی هستند از این‌رو، آلیسون نتیجه می‌گیرد که تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی نتیجه فراگردهای سیاسی مذاکره و بازی قدرت موجود در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده به حساب می‌آید بنابراین اتاق‌های فکر نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایفا می‌کنند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۷۴-۱۷۵)

۲-۱) روش مقایسه‌ای

در واقع برای آزمون فرضیات علمی، محقق در بیشتر موارد مجبور است پدیده‌های سیاست خارجی را به صورت مقایسه‌ای مطالعه کند؛ به عبارت دیگر یک پدیده خاص سیاست خارجی را در موقعیت‌های مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهد تا عوامل همبسته با آن را پیدا کند. در نتیجه، چنین به نظر می‌رسد که ارایه نظریات علمی فراگیر درباره سیاست خارجی، بدون مطالعه مقایسه‌ای آن اجتناب‌ناپذیر است. (امیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۰۲)

استفاده از روش مقایسه‌ای به دوره ارسطو برمی‌گردد. این فیلسوف یونانی برای تدوین کتاب سیاست و ارایه نظریه حکومت خود از روش مقایسه‌ای بهره گرفت. ارسطو با مقایسه حکومت‌های وقت و بازدید از آن‌ها، نظریه خود را درباره حکومت خوب و بد و مزایا و بدی‌های انواع حکومت‌ها تشریح کرد. همچنین مونته‌سکیو در نظریات سیاسی خود و همچنین در کتاب روح‌القوانین از روش مقایسه‌ای، به ویژه مقایسه حکومت‌های اروپای قاره‌ای و انگلستان بهره گرفت. از سوی دیگر، اندیشمندانی چون هابز و لاک چندان عنایتی به روش مقایسه‌ای نداشتند؛ هرچند که نظریات سیاسی و فلسفی آن‌ها پرمغز بوده و در حال حاضر نیز مورد استناد قرار می‌گیرند. (امیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

مطالعه مقایسه‌ای از سه جهت دارای اهمیت است: اول آن‌که آگاهی محقق را از سیاست خارجی کشورهای مختلف افزایش می‌دهد.

دوم آن‌که روش مقایسه‌ای محقق را از تعمیمات بی‌جا باز می‌دارد.

عبرت‌آموزی از تجارب دیگران نیز سومین مورد مهم است که با استفاده از روش مقایسه‌ای می‌توان بدان دست یافت. در صورتی که اتخاذ یک خط مشی نتیجه نامطلوب برای یک کشور داشته

باشد، دولتمردان و سیاستمداران آن جامعه می‌توانند از به‌کارگیری آن در کشور خود اجتناب کنند. برای مثال، مقایسه سیاست خارجی آمریکا در خلیج فارس طی چند دهه اخیر و تشابه سیاست‌های احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه در این منطقه، می‌تواند عبرتی برای کشورهای مختلف باشد؛ مبنی بر این که دولت آمریکا اعم از دموکرات و جمهوری‌خواه نسبت به تغییر وضع موجود در خلیج فارس حساس هستند و ممکن است از اقدامات قهری استفاده کنند. (امیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

برای مقایسه تأثیر اتاق‌های فکر بر تصمیم‌گیری‌های دو رئیس‌جمهور آمریکا اوپاما و ترامپ در قبال ایران بایستی توأمان از نظریه تصمیم‌گیری و روش مقایسه‌ای برای پژوهش بهره برد. همان‌طور که مشخص است ترامپ در شعارهای انتخاباتی اش تمامی دستاوردهای اوپاما را زیر سوال برد. از جمله از این دستاوردها حل مسئله هسته‌ای ایران تحت نام برجام است. برجام که از افتخارات اوپاما بود از طرف ترامپ اصلاً مورد تأیید نبود. اما ترامپ با پیروزی در انتخابات و با گذشت بیش از یک سال از دوره زمامداری اش همچنان با شک و تردید و اما و اگر آن را در دوره‌های ۱۲۰ روزه تأیید کرد. ترامپ تحریم‌های جدیدی را علیه ایران تحت عناوین حقوق بشر و دخالت‌های ایران در کشورهای خاورمیانه برقرار کرد و در آخرین اقدام برجام را لغو کرد. در این تحقیق سعی شده با بهره از روش مقایسه‌ای تأثیر اتاق‌های فکر بر تصمیم‌گیری‌های دولت آمریکا در زمان اوپاما و ترامپ در قبال ایران پرداخته شود.

۳) اتاق فکر

اتاق‌های فکر، مؤسساتی هستند که به ارائه‌ی مشاوره و ایده برای مسائل ملی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند.

دامنه و گستره‌ی عملکرد اتاق‌های فکر در برگیرنده‌ی موضوع‌های متعدد و متنوعی بوده و فهرست بلندی را بر آن تنظیم کرد. به منظور رسیدن به نتیجه‌ای مشخص، به نظر می‌رسد دسته بندی این کارکردها راه حل مناسبی است. به طور کلی این موسسات دارای سه وظیفه‌ی عمده می‌باشند:

۱. وظیفه‌ی نخست، تشخیص و تعریف مسائل، روندها، ارزیابی امور رخ داده و یا در شرف وقوع، ارائه‌ی تحلیل در مورد پدیده‌ها و امور مورد نظر سیاستمداران می‌باشد.
۲. کارویژه‌ی دوم، پردازش ایده‌هایی در مورد مسائل مبتلا به و مورد نیاز و تبدیل آن‌ها به سیاست‌ها و برنامه‌هایی اجرایی و مطلوب است.
۳. کارکرد سوم، نقش‌آفرینی در مقام یک نهاد ارزیابی‌کننده و نقاد سیاست‌های اعلامی و اجرایی

دولت است. (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

۳-۱) نقش و کارکرد اتاق‌های فکر در سیاست خارجی آمریکا

مهمترین کارکرد اتاق‌های فکر تولید اندیشه و تفکر نو است. تولیدات فکر اتاق‌های فکر می‌تواند مفاهیم مربوط به منافع ملی را تغییر دهد و بر رتبه‌بندی اولویت‌های سیاست خارجی یک کشور تأثیر گذارد. این تولیدات همچنین می‌تواند نقشه راه اقدام دولتمردان در حوزه سیاست خارجی باشد، البته جلب توجه آن دسته از سیاستمداران پرکاری که منابع اطلاعاتی فراوانی دارند، کار راحتی نیست. برای دستیابی به این هدف، اتاق‌های فکر باید از راه‌های مختلف برای عرضه هر چه بهتر تولیدات فکری خود استفاده کنند. این مراکز تلاش می‌کنند از طریق انتشار مقاله، کتاب، گزارش، تدارک برنامه‌های تلویزیونی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و فعالیتهای اینترنتی در بازار اطلاعات، جایگاه مناسبی برای خود بیابند. علاوه بر تولید اندیشه‌های جدید برای مقامات ارشد حکومتی، اتاق‌های فکر، زنجیره دائمی از متخصصان را برای خدمت در دولت و مراکز اداری پارلمان تامین می‌کنند. در آمریکا هر زمان که انتقال قدرت صورت می‌گیرد صدها نفر از نیروهای میانی و ارشد بخش‌های اجرایی تغییر می‌کنند. (ابلسون، ۱۹۹۶: ۷۳) به این ترتیب، اتاق‌های فکر از طریق تامین بخشی از نیروی انسانی عالی رتبه دستگاه وزارت خارجه و دیگر نهادهای مرتبط با حوزه سیاست خارجی می‌توانند بر روند شکل‌گیری و اجرای تصمیمات مربوط به این حوزه تأثیر گذارند.

۴) توافقات ایران و ۵+۱ و شکل‌گیری برجام

کشمکش‌هایی که موضوع هسته‌ای برای ایران به بارآورد و همچنین فشارهایی که چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی (که نتیجه تحریم‌های بین‌المللی بود) وارد شد، باعث گردید سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران به سمت انزوا پیش برود. در نتیجه فشارهای صورت گرفته از جانب غرب، در ایران سایه امنیتی بر کشور حاکم شد و از قدرت مانور کشور کاست. لذا برای حل این مشکل، دولت‌های روی کار آمده در ایران با رویکرد متفاوتی در صدد حل این مسئله برآمدند. در زمان دولت آقای خاتمی مذاکرات برای رفع این تنش شروع شد و بعد دولت آقای احمدی‌نژاد و در نهایت دولت آقای روحانی رویکردی تازه نسبت به حل این مشکل در پیش گرفت (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۸۸). مذاکرات بین ایران و ۵+۱ همزمان با «توافق در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد که کشورهای غربی از یک توافق اولیه با ایران خبر دادند و با محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران برخی از دارایی‌های بلوکه

شده ایران را آزاد می‌کنند. لذا این زمینه یک توافق جامع بین ایران و ۱+۵ در سال ۲۰۱۵ را ایجاد کرد. این توافق رفع محدودیت‌های طولانی مدت و همچنین تحریم‌های موجود علیه ایران را تشریح نمود و سپس شورای امنیت آن را الزام آور کرد (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

در نتیجه آن برنامه هسته‌ای ایران از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد خارج شد. در این مذاکرات تحریم‌های موجود علیه ایران جزء مهمترین مباحث بود و در روند مذاکرات منتهی به برجام از آنجایی که نماینده دولت آمریکا در جلسه حضور داشت از بار یکجانبه‌گرایی این کشور کاسته شد و به طرف چند جانبه‌گرایی سوق پیدا کرد (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۵). بعد از مذاکرات پیچیده ای که ایران با این کشورها داشت سرانجام متن برجام تنظیم شد و شورای امنیت الزام‌آور بودن آن را اعلام کرد.

۵) اوپاما و ایران

خط‌مشی اوپاما نسبت به ایران را می‌توان در سه خط به طور همزمان دنبال کرد: مهار هوشمند، مذاکره مستقیم و پیشبرد تغییر سیاسی از درون. (حسینی‌متین، ۱۳۹۱: ۲۰۵) دو واژه کلیدی اوپاما در قبال ایران برجسته به نظر می‌رسد که یکی «پیش شرط» و دیگری «احترام متقابل» است. این دو واژه به کلی تغییر گفتمان آمریکا را در قبال ایران نسبت به دوران بوش مبرهن می‌سازند. (قادری، ۱۳۸۹: ۱۰۷) می‌توان شیوه غالب دولت اوپاما علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را ائتلاف‌سازی به منظور اعمال موفق دیپلماسی فشار نامید. (عبداله، ۱۳۹۲: ۱۱۳) اوپاما نوشت: «اگرچه استفاده از نیروی نظامی نباید از دستور کار خارج شود، اما نباید از مذاکره مستقیم با ایران خودداری کرد. هدف دیپلماسی ما باید افزایش هزینه برای ایران در پیگیری برنامه اتمی از طریق کاربرد هم‌زمان تحریم‌ها و فشارهای فزاینده از سوی شرکای عمده تجاری آن کشور باشد. جهان باید برای توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران و جلوگیری از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تلاش کند. در مقابل، اوپاما روابط دیپلماتیک با ایران، همکاری اقتصادی و تضمین‌های امنیتی و خروج ایده تغییر رژیم ایران از دستور کار سیاست خارجی آمریکا را ارائه می‌کند.»

روی کار آمدن اوپاما با شعار تغییر، انتظار برای تغییر راهبردها و روش‌های سابق آمریکا، تبدیل به یک مطالبه برای مردم خاورمیانه و ایران گردید. ایرانیان احساس کردند که تهاجم نظامی احتمالی از فراز خاک ایران دور شده و حتی چشم‌اندازی از تغییر احتمالی سیاست‌های آمریکا را شاهد می‌باشند. (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۲۵۲)

راهبرد دولت اوپاما «قدرت هوشمند»^۱ که بنای سیاست خارجی خود را در قبال ایران بر آن استوار ساخت. قدرت هوشمند بیشتر بر مبنای رویکرد نئولیبرالی قابل تبیین است. (پورحسن و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۴۲) بر مبنای رهیافت نهادگرایی نئولیبرال می‌توان گفت اوپاما با استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی بویژه شورای امنیت سازمان ملل و همچنین کاربست دیپلماسی، توانست همکاری سایر قدرت‌های جهانی برای ترغیب آن‌ها به حرکت در مسیر فشار و تعامل با ایران را براساس منافع متقابل ناشی از همکاری جلب نماید و با اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی، اجماعی بین‌المللی علیه ایران تشکیل داد به نحوی که قدرت‌های بزرگ و کشورهای صنعتی به ویژه واردکنندگان نفت از ایران - که شریان حیاتی اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد - به اردوگاه ایالات متحده پیوستند. (طباطبایی و منتظری، ۱۳۹۷: ۱۰۶)

۱-۵) اوپاما و اتاق‌های فکر

اتاق‌های فکر بر تصمیمات روسای جمهور ایالات متحده تأثیر بسزایی دارد. در دروان اوپاما با توجه به شخصیت او از نظرات اتاق‌های فکر در سیاست خارجی استفاده شده است مهمترین آن‌ها بنیاد دفاع از دموکراسی^۲، بروکینگز^۳، بنیاد صلح کارنگی^۴ و شورای روابط خارجی^۵ است.

۱-۲-۵) بنیاد دفاع از دموکراسی

با آغاز ریاست جمهوری باراک اوپاما در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ و انتخاب «تیم گینر»^۶ به عنوان وزیر دارایی، «استوارت لوی»^۷ دوباره در سمت خود ابقا شد. «تیم گینر» در مراسم معارفه خود، وی را به عنوان سرمعمار تحریم‌های مالی-بانکی ایران معرفی کرد که براساس سیاست‌های اجرایی باراک اوپاما، نقش رهبری را در جهت‌گیری تحریم‌ها برعهده دارد. استوارت لوی همچنین یکی از هواداران اسرائیل در آمریکا است. وی از طراحان، مجریان، قانون‌گذاران یا ناظرانی هستند که تابعیت اسرائیل را ندارند، ولی به صورت غیرمستقیم منافع آن را تأمین می‌کنند. بین تأمین‌کنندگان منافع اسرائیل در سطوح

^۱ Smart Power

^۲ Foundation for Defense of Democracies

^۳ Brookings Institution

^۴ Carnegie Endowment for International Peace

^۵ Council on Foreign Relations

^۶ Tim Gainer

^۷ Stuart Levy

اجرائی، لابی‌های پارلمانی و متولیان دیپلماسی عمومی وابسته به اسرائیل نوعی هم‌سویی و یکپارچگی پیرامون وزن و جهت تحریم‌های ایران وجود دارد، به گونه‌ای که واکنش‌های لابی‌های اسرائیل به انتصاب دوباره استوارت لوی در دولت باراک اوباما به حدی بود که دیوید هریس^۱ مدیر اجرایی کمیته یهودیان آمریکا و اتاق فکر «بنیاد دفاع از دموکراسی» از آن به عنوان دستاورد بزرگی برای جامعه یهودیان نام بردند. (امام جمعه زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۸)

بیشتر جهت‌گیری‌های این اتاق فکر حاکی است که خواهان تحریم و فشار بیشتر بر ایران برای تغییر رفتار بر مبنای خواسته‌های آمریکا می‌باشد. در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری اوباما این اتاق فکر بیشترین تأثیر را داشت که باعث افزایش تحریم‌ها ضد ایران در آن سال‌ها شد.

۲-۲-۵) بروکینگز

موسسه بروکینگز از نظر گرایش سیاسی و جهت‌گیری در برنامه‌ریزی امنیت ملی به حوزه‌ی «میانه متمایل به چپ» تعلق دارد. جهت‌گیری سیاسی این موسسه با بنیاد کارنگی برای مطالعات صلح بین‌المللی و همچنین مرکز کارتر، تاحدی مشترک است. در موسسه بروکینگز مطالعات متنوعی درباره‌ی امنیت خاورمیانه، سیاست خارجی آمریکا در حوزه‌های منطقه‌ای و الگوهای رفتاری در برخورد با کشورهای که می‌توانند نقش چالشی یا همکاری‌مدارانه با اهداف سیاسی امنیتی خاورمیانه تنظیم و تبیین نمایند. همچنین گزارش سیاسی درباره‌ی موضوعات راهبردی ایران و چگونگی ارتباط ایران و آمریکا منتشر کرده است. (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۳: ۵۴)

واقع‌گرایان لیبرال در مرکز حزب دموکرات قرار دارند طرفدار رویکردی انعطاف‌پذیر و عملگرا در روابط بین‌الملل هستند و با اجبار در ترویج مدل دموکراسی حتی در رژیم‌های غیردوست مخالف هستند مهمترین آنان باراک اوباما است و از جمله از مخازن واقع‌گرایان لیبرال موسسه بروکینگز است.

(Tarelin 2012)

«سوزان مالونی^۲» تحلیل‌گر اندیشکده بروکینگز همزمان با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در مقاله‌ای با عنوان «ایران و هنر آن در مذاکرات هسته‌ای» با اشاره به مذاکرات هسته‌ای ایران با نمایندگان کشورهای عضو گروه ۵+۱ و ابراز خوش‌بینی درباره چشم‌انداز این مذاکرات می‌افزاید: مقامات آمریکایی با مقامات اروپایی، روسی و چینی در حال برداشتن گام‌های لازم برای

^۱ David Harris

^۲ Susan Maloney

شرکت در دور جدید مذاکرات پیش‌روی هسته‌ای با ایران هستند.

این تحلیلگر اندیشکده بروکینگز در ادامه به تشویق دولت اوباما از سوی تحلیلگران غربی برای استفاده از فرصت ایجاد شده برای تعامل با ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: بیشتر رسانه‌های غربی و صاحب‌نظران و تحلیلگران سیاسی و بسیاری از مقامات پیشین دولت آمریکا به اوباما توصیه کرده‌اند که از فرصت ایجاد شده پس از برگزاری انتخابات در ایران برای تعامل با آن کشور استفاده کند.

آنان همچنین توصیه کرده‌اند که دولت اوباما رویکرد خود درباره برنامه هسته‌ای ایران را تغییر دهد و راه‌های موثری برای رفع تحریم‌های وضع شده علیه ایران را در مقابل آن کشور قرار دهد.

این تحلیلگران توصیه می‌کنند که دولت آمریکا باید مشی انعطاف‌پذیری در مقابل ایرانیان اتخاذ کند تا دست کم کشورهای غربی در مذاکرات چندجانبه بتوانند با ایران به توافق برسند.

نویسنده با اشاره به کارشکنی‌های کنگره آمریکا و رژیم صهیونیستی در مسیر تعامل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید: من می‌دانم که دولت اوباما می‌خواهد سلاح را در مقابل ایران بر زمین بگذارد، اما در این میان رژیم صهیونیستی و نمایندگان کنگره آمریکا مانع این کار می‌شوند. دولت اوباما نمی‌خواهد، همچون دولت‌های قبلی آمریکا گام‌های غلطی درباره برنامه هسته‌ای ایران بردارد. این گروه در صددند، با سمپاشی‌هایی این‌طور القا کنند که دیپلماسی با جمهوری اسلامی ایران بی‌نتیجه خواهد بود. تحلیلگر اندیشکده بروکینگز در پایان می‌خواهد که دولت اوباما باید با کاهش تحریم‌ها به پیشرفت مذاکرات هسته‌ای کمک کند.

دولت جدید ایران نیز وعده داده که در زمینه برنامه هسته‌ای‌اش شفافیت بیشتری نشان خواهد داد. بله، مذاکره با ایران ریسک خاص خود را هم دارد. با این حال انعطاف‌پذیری از سوی جامعه بین‌المللی در مقابل ایران در مذاکرات هسته‌ای گریزناپذیر است. (شبکه خبر، ۱۳۹۲: ۱)

مؤسسه بروکینگز معتقد است چنانچه دولتمردان این کشور خواستار تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران باشند با مذاکره و کاهش تحریم‌ها بهتر می‌توانند به این خواسته برسند و اوباما با تأثیر از این اتاق فکر در پایان دوره ریاست‌جمهوری‌اش به سمت مذاکره با ایران و انعقاد تفاهم‌نامه موسوم سوق پیدا کرد.

۵-۲-۳) بنیاد کارنگی

بنیاد کارنگی بر تحولات ایران خصوصاً روند پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تمرکز جدی و اساسی دارد. رویکرد عمومی این بنیاد معطوف به محدودسازی قدرت راهبردی ایران با تصاعد دیپلماسی فشار است. پژوهشگران بنیاد کارنگی معتقدند محدودسازی قدرت راهبردی ایران

ضروریست. (پوستینچی و متقی، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۹) بنیاد کارنگی خواستار پذیرش ایران به عنوان یک قدرت هسته‌ای در کنار بازدارندگی و مهار آن است. این بنیاد ایجاد هماهنگی با اروپا برای متقاعد کردن ایران به موافقت با انجام بازرسی‌های بین‌المللی بیشتر، و محدود ساختن برنامه‌های موشکی بالیستیک و دخالت‌های نظامی‌اش در منطقه را توصیه می‌کند. بنیاد کارنگی معتقد به حفظ توافق هسته‌ای با ایران توسط آمریکا است. پژوهشگران این بنیاد ضمن مخالفت با خروج آمریکا از برجام هشدار می‌دهند که بدون دیپلماسی، انزوایی خطرناک در انتظار آمریکاست. ویلیام برنز معاون سابق وزارت خارجه آمریکا و رئیس بنیاد کارنگی برای صلح تصریح می‌کند ما می‌توانیم و باید با سوء رفتار ایران، بدون از بین بردن توافق اتمی، بدون ازدست دادن اهرم دیپلماسی، بدون از هم پاشیده شدن ائتلافی بین‌المللی مقابله کنیم. (رومی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۵۱) در کل این اندیشکده مستقل، استفاده از ابزارهای نرم برای تغییر رفتار ایران نسبت به آمریکا را توصیه می‌کند.

۵-۲-۴) شورای روابط خارجی

هم‌اکنون ریاست شورای روابط خارجی آمریکا را «ریچارد هاس»^۱ بر عهده دارد. نگرش ریچارد هاس در ارتباط با ایران نسبتاً متعادل است. هاس مخالف بهره‌گیری از اقدامات نظامی علیه ایران است. (Johnson, 2004: 23)

هاس در توصیه‌هایش به اوباما پس از پیروزی در انتخابات در رابطه با ایران یادآور می‌شود؛ دولت اوباما برای تغییر رفتار ایران، به‌ویژه در مورد مسائل هسته‌ای، باید به‌طور مستقیم با این کشور مذاکره کند. اما چرا؟ زیرا گزینه‌های دیگر امیدوارکننده نیستند. مجازات و تحریم‌ها در تغییر این رفتار ناتوان بوده‌اند. اقدام نظامی پیشگیرانه می‌تواند حداکثر چندسال برنامه‌های هسته‌ای ایران را دچار وقفه سازد، ولی اسرائیل و نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان را در معرض اقدامات تلافی‌جویانه قرار می‌دهد. چشم‌انداز روشنی نیز در براندازی حکومت ایران وجود ندارد، چه از طریق اقدام نظامی و چه به وسیله حمایت از قیامی داخلی. ضمانتی برای بهتر شدن اوضاع با توسل به مذاکره با ایران وجود ندارد، ولی تلاش صادقانه‌ای که با شکست مواجه شده باشد، راه را برای برگزیدن اقدامات سخت‌گیرانه‌تر، از منظر افکار عمومی آمریکا و جامعه بین‌المللی هموارتر خواهد ساخت. هرگونه اقدامی در برابر ایران بسیار پیچیده خواهد بود؛ زیرا جوانب بسیار زیادی وجود دارند که باید به آنها توجه کرد.

هزینه‌های هر اقدامی با توجه به ماهیت تصمیم‌گیری‌های غیرعادی تهران و تمایل حکومت به گسترش منافع ملی و انقلاب اسلامی آن می‌تواند افزایش یابد؛ بنابراین دولت اواما باید راهی پیدا کند که توسط آن به دولت ایران نشان دهد به منافع مشروعش احترام می‌گذارد، ولی با ماجراجویی‌های ناشی از تفکر انقلاب اسلامی مقابله خواهد کرد. نتیجه سیاست مذاکره مستقیم بین ایران و امریکا باید به وارد کردن ایران در نظم جدید منطقه‌ای و تشویق آن به همکاری مسئولانه با همسایگان و توسعه نفوذش با توسل به ابزار صلح‌جویانه نه از طریق مقابله، تخریب و گسترش قدرت هسته‌ای منجر شود. (هاس، ۱۳۸۷: ۱۰) در مجموع شورای روابط خارجی آمریکا، استفاده از روش‌های دیپلماتیک و پرهیز از رویکرد بازدارندگی تهاجمی را به اواما توصیه می‌کند و خواستار بهره از روش‌های مسالمت‌آمیز برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران است.

۶) ترامپ

دونالد ترامپ پس از پیروزی بر هیلاری کلinton^۱ دموکرات در انتخابات سال ۲۰۱۶ دوره چهارساله ریاست‌جمهوری خود را از ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ آغاز کرد. تا پیش از ورود وی به کاخ سفید، و در جریان رقابت‌های انتخاباتی این‌گونه برداشت می‌شد که مواضع و دیدگاه‌های کمتر قابل انتظار دونالد ترامپ در قبال اشخاص، سازمان‌ها و برخی کشورها صرفاً تبلیغات انتخاباتی هستند، پدیده‌ای که در سراسر جهان متعارف است؛ اما با گذشت زمان سیاست خارجی ایالات متحده سرشتی متفاوت و نسبتاً غیرقابل پیشبینی یافت؛ به طوری که اعلام مواضع و تصمیمات کاخ غافلگیرکننده بود و همگان را کم و بیش تحت تأثیر قرار داد؛ تصمیماتی چون خروج از طیف وسیعی از پیمان‌ها، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی و نیز رفتار غیرمتعارف با متحدان نزدیک و واشنگتن تا حد قابل توجهی رفتار سیاست خارجی ترامپ را از روسای جمهور پیشین متفاوت ساخت. (نوری و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۸۰)

اختلاف میان آنچه ترامپ آن را نمایندگی می‌کند (ناسیونالیسم و اوک آمریکا) با آنچه بوروکراسی سیاسی - امنیتی حامی آن است (یعنی سنت بین‌الملل‌گرایی لیبرال) خود را در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ آمریکا جلوه‌گر ساخت؛ جایی که آغوش باز برای جهانی شدن کلinton، تغییر شکل دادن کشورهای بوش و جهان‌گرایی اواما به روشنی رد شده؛ اما دوشخصیتی بودن سند و تنش میان ایده‌های

^۱ Hillary Clinton

ترامپ با سنت‌گرایی تشکیلاتی مشهود است. واقع‌گرایی اصولگرا که در این سند به عنوان اصل هدایتگر سیاست خارجی آمریکا معرفی شده به عنوان «جهان‌بینی دولت محور مبتنی بر نتیجه و نه مبتنی بر ایدئولوژی» توضیح داده شده است. (Ettinger, 2018: 475-478)

برخلاف دوران ریاست جمهوری باراک اوباما که وزارت خارجه از استقلال عمل قابل توجهی سیاست خارجی برخوردار بود، در دولت ترامپ این جایگاه متأثر از ویژگی‌های شخصیتی ترامپ با چالش جدی مواجه گشت. وزارت خارجه در دولت ترامپ دو دوران کلی داشت که متأثر از شخصیت هر یک از وزرا و نحوه تعامل او با رئیس‌جمهور، وزن و نسبت این نهاد در مقایسه با دیگر نهادها، متفاوت گشته است؛ تیلرسون^۱ و پمپئو^۲ در حالی که وزیر نخست در برابر دیدگاه‌های ترامپ مقاومت می‌کرد، پومپئو^۳ از طریق همراهی با دیدگاه‌های ترامپ، بر تأثیرگذاری این نهاد در مقایسه با دوران کوتاه تیلرسون^۴ افزوده است. ترامپ و تیلرسون در اکثر مسائل راهبردی سیاست خارجی چون برجام، گفتگوهای دیپلماتیک با کره شمالی، بحران قطر، توافق اقلیمی پاریس، نحوه تعامل با ونزوئلا و غیره اختلاف اساسی داشتند؛ در رویکرد کلی، تیلرسون به انعطاف‌پذیری و توسل به دیپلماسی اعتقاد داشت در حالی که ترامپ نامتعطف و تهاجمی بود. تیلرسون خواهان پیگیری مسیر دیپلماتیک در مواجهه با ونزوئلا و کره شمالی بود و تلاش کرد آمریکا در بحران قطر موضعی بیطرف اتخاذ کند که به اراده ترامپ اینگونه نشد. اختلافات مزبور منجر به حاشیه‌ای شدن نسبی نقش وزارت خارجه تیلرسون در مقایسه با دیگر نهادهای بوروکراتیک سیاست خارجی شد تا جایی که مثلاً پنتاگون عهده‌دار برخی از مأموریت‌های ذاتی وزارت خارجه نظیر تهیه مقدمات سفر ترامپ به عربستان سعودی گشت. در نهایت اختلافات مزبور سبب شد تا تیلرسون را بلافاصله پس از بازگشت از سفر آفریقا در ۱۳ مارس برکنار و «مایک پمپئو» را جایگزین او نماید؛ کسی که برخلاف تیلرسون، مدافع سرسخت مواضع ترامپ و بازتاب‌دهنده نظریات شخصی او در سیاست خارجی قلمداد می‌شد. (نوری و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۹۴-۱۹۵)

۶-۱) نقش اتاق‌های فکر در دوران ترامپ

همان‌طور که اشاره شد اتاق‌های فکر زیادی در آمریکا وجود دارد. برخی اتاق‌های فکر تأثیرات

^۱ Rex Wayne Tillerson

^۲ Michael Richard Pompeo

^۳ Michael Richard Pompeo

^۴ Rex Tillerson

بیشتری بر تصمیم‌گیری‌های ترامپ داشته‌اند. این اتاق‌های فکر بر تصمیم‌گیری‌های ترامپ در قبال ایران نقش ویژه‌ای داشته‌اند.

۱-۱-۶) بنیاد هریتیج^۱

در میان اندیشکده‌های آمریکایی، در دوران ترامپ بنیاد هریتیج جایگاه قابل توجهی در عرصه سیاست‌گذاری داخلی و خارجی آمریکا یافته است تا جایی که نشریه «پولیتیکو»^۲ این اندیشکده را «تیم انتقالی در سایه» توصیف کرد. ۷۰ نفر از اعضای پیشین این مرکز در تیم انتقالی ترامپ شرکت داشته‌اند و بسیاری از آنان وارد دولت شدند.

«بتسی دواس»^۳ وزیر آموزش ترامپ و از بزرگترین اهداکنندگان مالی این بنیاد، «برت کاوانا»^۴ نامزد پیشنهادی وی در دیوان عالی، «اسکات پروت»^۵ رئیس سازمان محیط زیست، «میک مولینی»^۶ رئیس سازمان مدیریت و بودجه، ریک پری وزیر انرژی و «جف سشنز»^۷ وزیر دادگستری از افراد معرفی شده توسط بنیاد هریتیج به دولت ترامپ بودند. همچنین «اد فولتر»^۸ رئیس پیشین بنیاد و عضو هیئت مدیره، اولین فرد از این موسسه بود که وارد تیم انتقالی دونالد ترامپ شد.

بنیاد هریتیج از سال ۱۹۸۱ اقدام به انتشار کتابی با عنوان «فرمان رهبری»^۹ نموده که اصلاحات و برنامه‌های مورد نظرش را به رئیس دولت پیشنهاد می‌کند. نسخه هفتم این کتاب در سال ۲۰۱۶ پس از انتخاب دونالد ترامپ در سه جلد منتشر شد. در این نسخه ضمن یادآوری اهداف میسر نشده در دوره اوباما، برنامه‌های پیشنهادی به دولت جدید مطرح شده است. اکنون پس از گذشت چهار سال از آغاز به‌کار دولت ترامپ، این اندیشکده در گزارشی نشان داده است که دولت ترامپ به ۶۴ درصد از ۳۳۴ مورد سیاست‌های پیشنهادی این اندیشکده در مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی پایبند بوده است. طرح

^۱ The Heritage Foundation

^۲ Politico

^۳ Betsy DeVos

^۴ Brett Kavanaugh

^۵ Scott Pruitt

^۶ Mick Mulvaney

^۷ Jeff Sessions

^۸ Edwin Feulner

^۹ Mandate for Leadership

لغو بیمه سلامت اوپاما موسوم به اوپاما کر و امن‌سازی مرز با مکزیک، لغو قانون بی‌طرفی اینترنت، کاهش اراضی حفاظت شده، توسعه منابع طبیعی و زغال سنگ، کوچک‌سازی دولت، اصلاحات مالیاتی، ترک توافق اقلیمی پاریس، افزایش بودجه نظامی و خروج از یونسکو چند نمونه از مهمترین برنامه‌های تجویزی این موسسه بوده‌اند. بدین ترتیب هریتج بیش از هر موسسه دیگری از سیاست‌های اقتصادی گرفته تا گزینه‌های پیشنهادی ترامپ برای تصدی سمت‌های مختلف، بر شکل‌گیری کابینه و سیاست‌های کلان دولت ترامپ تأثیر گذارده است. (نوری و حسینی، ۱۳۹۸: ۲۰۱-۲۰۲)

۶-۱-۲) بنیاد دفاع از دموکراسی

بنیاد دفاع از دموکراسی مؤسسه تندور و نومحافظه‌کاری است که در سال ۲۰۰۱ تشکیل شده و آشکارا سیاست تغییر رژیم‌های مخالف ایالات متحده آمریکا را به دولت‌های این کشور توصیه کرده است. تاکنون بیشتر تمرکز این مؤسسه بر جمهوری اسلامی ایران بوده و برای حل مسئله ایران از جمله موضوع هسته‌ای آن نیز همواره راهبرد تغییر رژیم در ایران بوده است. (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۶۴) مایکل لدین^۱ در بنیاد دفاع از دموکراسی با عنوان «دانشور آزادی» فعالیت دارد. علت اعطای این لقب را می‌توان فعالیت‌های گسترده‌ی نظری او در مقابله با کشورهایی همانند ایران دانست. مایکل لدین نه تنها مخالف موضوعات راهبردی جمهوری اسلامی از جمله قابلیت‌های هسته‌ای است، بلکه بر این موضوع تأکید دارد که مقابله با ایران باید با براندازی ساختار سیاسی انجام پذیرد. نامبرده معتقد است اگر رژیم ایران را تغییر بدهی، مشکل هسته‌ای قابل مدیریت می‌شود. (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۳: ۵۱)

با روی کار آمدن ترامپ، تأکید بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها بر استفاده از تجربه ریگان در برابر شوروی برای مقابله با ایران بسیار بیشتر و برجسته‌تر شده و در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ تعداد زیادی یادداشت به شکل توصیه‌های سیاست‌گذاری از سوی محققان این مؤسسه منتشر شده که در همه آن‌ها بر امکان استفاده از تجارب رویکرد ریگانی در مقابله با شوروی در مواجهه با ایران تأکید شده است. پنج روز بعد از این‌که ترامپ در کاخ سفید سوگند یاد کرد، کلیفورد می^۲، رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، در یادداشتی در «نیویورک تایمز» با عنوان «دفاع از جهان متمدن» ترامپ را به استفاده از تجربه و الگوی ریگان در برخورد با کمونیسم شوروی در برخورد با آنچه اسلام رادیکال نامید، فراخواند. وی ایران را نیز بخشی از اسلام رادیکال در نظر گرفته است و جمهوری اسلامی ایران و دولت اسلامی را شبیه قلمداد

^۱ Michael Arthur Ledeen

^۲ Clifford May

کرده است.

پس از آن، مارک دوبوویتز^۱، مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در ماه مارس ۲۰۱۷ در یادداشتی با عنوان «توهم توافق هسته‌ای ایران» ضمن تاختن به توافق برجام می‌نویسد: دولت ترامپ نیاز دارد با همکاری کنگره، تحریم‌ها علیه رژیم را به دلیل حمایت ایران از تروریسم، توسعه موشک‌های بالستیک، سوء استفاده‌های حقوق بشری، جنایات جنگی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌ساز در خاورمیانه تشدید کند. (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۶۵-۶۷) دوبوویتز در اواخر ۲۰۱۷ تاکید می‌کند ترامپ بایستی اعلام کند ایران پایبند به برجام نیست و از تحریم‌های که در دوره‌ی ترامپ تحمیل شده استقبال می‌کند و دولت می‌بایست کنگره را در برگرداندن تحریم‌های قبل از برجام هم‌نظر نماید. (Dubowitz, September 26, 2017)

سعید قاسمی‌نژاد و دیوید آدسنیک^۲ از دیگر همکاران در بنیاد دفاع از دموکراسی اعلام کردند که شرکت‌های مهم با توجه به تحریم‌های آمریکا ایران را ترک کرده‌اند و این قضیه نشان می‌دهد فشار و تحریم‌های آمریکا توانسته روش خوبی برای کم‌شدن رفتارهای ایران در مخالفت با آمریکا باشد. (Adesnik, September 10, 2018.)

افکار و اندیشه‌های اعضای مؤسسه «بنیاد دفاع از دموکراسی»، به ویژه مدیر اجرایی آن یعنی دوبوویتز در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار برجسته‌ای در سیاست ترامپ در قبال ایران داشته است از یکی از مقامات سابق آمریکا که سیاست ترامپ در رابطه با ایران را پیگیری می‌کند، نقل شده است: «اگر بخواهید بدانید اقدام بعدی ترامپ درباره ایران چیست، شرط‌بندی بسیار خوبی است که آیا در آخرین یادداشت مارک دوبوویتز یا بنیاد دفاع از دموکراسی آمده است».

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها تهیه‌کننده اصلی «قدرت آتش فکری» بر علیه برجام، هم قبل و هم بعد از شکل‌گیری این توافق بوده و اعضای آن نه تنها با نگارش یادداشت‌های مختلف، بلکه با حضور گسترده در جلسات استماع کنگره، نقشی پیشرو در حمله به برجام ایفا کردند. بر این اساس، باور بر این است که بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها نقش بسیار اساسی در خروج دولت ترامپ از برجام داشته است.

بسیاری از شعارها، استدلال‌ها و اقداماتی که ترامپ چه در دوران انتخابات ریاست جمهوری و چه پس از استقرار در کاخ سفید در مورد ایران عنوان کرده و در پیش گرفته است، ابتدا از سوی محققان بنیاد

^۱ Mark Dubowitz

^۲ David Adesnik

دفاع از دموکراسی‌ها طرح شده‌اند. حتی بسیاری از واژه‌ها و مفاهیمی که ترامپ و برخی دیگر از مقامات دولت او در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و توافق هسته‌ای برجام به کار می‌برند، ساخته و پرداخته بنیاد دفاع از دموکراسی‌هاست. گفته شده که مارک دویوویتز^۱ در نوشتن گزارش‌های مربوط به ایران که توسط استیون هوک^۲، رئیس گروه اقدام ایران، فراهم می‌شود، نقش دارد و به بسیاری از مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای برجام در کنگره آمریکا مشاوره می‌دهد. (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۴)

۶-۱-۳) مؤسسه امریکن اینترپرایز^۳

اعضای آن دونالد رامسفلد، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، از برجسته‌ترین افراد (Woodward 2002; Mann 2004; Tarelin 2012) و ریاست این مؤسسه‌ی بر عهده «کریستوفر دیموس^۴» است. وی به عنوان محافظه‌کار معتقد است که هرگونه جدال با هر نوع تهدیدی امکان‌پذیر است. از طرف دیگر این مؤسسه بیشترین تهدیدهای ضد ایرانی را تاکنون عهده‌دار بوده است. این مؤسسه از جمله نهادهای نومحافظه‌کاری است که مذاکره با ایران را به منزله مشروعیت بخشیدن به ماهیت ضدآمریکایی و ضد رژیم صهیونیستی جمهوری اسلامی قلمداد کرده و اکثر کارشناسان این مؤسسه بر این باورند که تنها با حمله نظامی و تغییر نظام اسلامی در ایران می‌توان مشکلات بین ایران و غرب را حل و فصل کرد. (پوستینچی و متقی، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۲) یادداشت مفصل فردریک کگان^۵، عضو مؤسسه امریکن اینترپرایز، در اوت ۲۰۱۸ با عنوان «آیا می‌توانیم استراتژی پیروزی در برابر ایران در پیش بگیریم» در مجله «کامتری»^۶ است. کگان در این یادداشت به طرح این موضوع پرداخته که تفاوت‌های شخصی مربوط به رهبران، ساختاری، ایدئولوژیکی و نهادی زیاد و عمیقی میان اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که نباید نادیده گرفته شوند. با این حال، وی معتقد است ایران از هر نظر ضعیف‌تر از شوروی است و نسبت به انزوا، بسیار آسیب‌پذیرتر است. بنابراین، استراتژی پیروزی بدون این‌که منجر به فروپاشی سریع رژیم ایران شود، بیشتر نیازمندی‌های امنیتی آمریکا را برآورده می‌کند. این اقدامی عملی است. در این راستا، منزوی کردن ایران از منابع

^۱ Mark Dubowitz

^۲ Steven Hook

^۳ American Enterprise Institute

^۴ Christopher Dimos

^۵ Frederick Kogan

^۶ Commentary Magazine

خارجی و اجبار آن به تمرکز بر کنترل مردم، دستاوردهای بزرگی خواهند بود که می‌تواند خاورمیانه را دگرگون کند. کگان در این مورد به دولت آمریکا توصیه می‌کند: ۱. ایران را از حامیان و تأمین‌کنندگان خارجی‌اش جدا کنید؛ ۲. از دستیابی و استفاده ایران به منابعی آن سوی مرزها جلوگیری کنید (به ویژه در لبنان، عراق و سوریه)؛ ۳. اعمال شکست‌هایی بر سپاه پاسداران در نقاط مهم (به خصوص سوریه و عراق) برای بی‌اعتبار کردن روایت داخلی سازمان که حمایت از برتری آن در سیاست امنیت ملی را در پی دارد؛ ۴. اختلال در تلاش‌های ایران برای دستیابی به مواد لازم تولید زرادخانه هسته‌ای و توسعه توانمندی‌های نظامی متعارف خود؛ ۵. تشویق و تقویت اختلافات درون رژیم درباره مطلوبیت تداوم سیاست‌های تهاجمی توسعه‌طلبی منطقه‌ای؛ ۶. استفاده از ضایعه جانشینی آینده رهبری که شبیه مرگ استالین و انتقال معنی‌دار قدرت از زمان وفات (امام) خمینی خواهد بود.

کگان سوریه را افغانستان و عراق را لهستان ایران می‌داند و معتقد است یک طرح بلندمدت از سوی آمریکا باید بر ایجاد اجماع میان متحدان آمریکا درباره نیاز به اجرای استراتژی پیروزی متمرکز باشد؛ روسیه و چین را از زنده نگهداشتن ایران بازدارد؛ در زنجیره عرضه مواد استراتژیک مورد نیاز ایران برای ارتقای توانمندی‌های هسته‌ای و نظامی‌اش اختلال ایجاد کند؛ ایران را مجبور به نبرد دشوار در عراق و سوریه برای حفظ موقعیت خود کند، در حالی که همزمان به هر طریق ممکن بر اقتصاد ایران فشار وارد آورد. چنین استراتژی‌ای از نظر وی، جمهوری اسلامی ایران را مجبور می‌کند به درون مرزهایش برگردد؛ حرکتش در جهت هژمونی منطقه‌ای را قطع و وارونه می‌کند شکاف‌ها میان رهبران ایران و بین نظام و مردم را تشدید می‌کند و ممکن است در طول زمان، به روشی که خاص ایران است، به تغییر ماهیت رژیم منجر شود. به نظر می‌رسد در دولت ترامپ به این موضوعات اهمیت داده شده و در شکل‌گیری سیاست خارجی در رابطه با ایران از آن‌ها استفاده شده است. (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۷۵-۷۶)

سرانجام ترامپ تحریم‌های در رابطه با موضوع هسته‌ای را برگرداند و حتی اعلام نمود تحریم‌های جدیدی به آن خواهد افزود. سپس تاکید کرد که بالاترین سطح تحریم‌های اقتصادی را وضع خواهیم کرد و هر دولتی به ایران در هسته‌ای کمک کند شدیداً تحریم خواهد شد. (Trump, May8, 2018)

۶-۱-۴) موسسه هوور^۱

^۱ Hoover Institution

پژوهشگران موسسه هوور در تبیین سیاست امنیتی آمریکا در برخورد با ایران اعتقاد دارد که ایالات متحده باید به سرعت از تولید بمب هسته‌ای توسط ایران جلوگیری نماید، به حمایت ایران از گروه‌های تروریستی پایان دهد و به جنبش دموکراتیک در داخل ایران کمک کند. با توجه به این آمریکا باید یک استراتژی کوتاه مدت برای به تعویق انداختن بمب هسته‌ای و و یک استراتژی بلندمدت برای تسریع تغییر دموکراتیک در داخل ایران به کار گیرد. (Tepperman, 2012: 4)

ویکتور هانسون از اعضای ارشد مؤسسه هوور در دانشگاه استنفورد با توجه به خروج ترامپ از برجام ضمن تأیید این موضوع تأکید می‌کند، در دوره اوباما و قبل از انعقاد برجام، در تحریم‌ها تقلب‌های گاه به گاه، آنها در نهایت به اندازه کافی خوب عمل می‌کردند که به اقتصاد آسیب می‌رساند. ضمن فاجعه خواندن معامله ۲۰۱۵، ایران که به مرز هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی کشیده شده بود و اگر تحریم‌های جهانی ادامه پیدا می‌کرد، ایران ممکن بود نه پول نقد و نه آرامش عمومی را برای صرف ثروت هنگفت به طور همزمان برای اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم جهانی و جنگ‌های نیابتی در لبنان، سوریه و یمن داشته باشد. متأسفانه، توافق ایران پس از اینکه تحریم‌ها مانع از گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران شده بود، تضمین کرد ایران به توافق سال ۲۰۱۵ به عنوان یک نجات نگاه کند. قبل از اینکه ترامپ آن را لغو کند، ایران برنامه ریزی کرده بود که برای دهه آینده از این توافق استفاده کند تا دوباره سازماندهی شود، با پایان تحریم‌ها، میلیاردها دلار درآمد ارزی کسب کند، نفوذ خود را در سراسر خاورمیانه گسترش دهد و خود را برای تولید بمب در سال ۲۰۲۵ آماده کند. سپس، زمانی که قرارداد منقضی می‌شد، ایران بسیار غنی‌تر، از نظر فن‌آوری پیچیده‌تر، بسیار قدرتمندتر در منطقه بود و احتمال اینکه بمب‌های پیشرفته‌تری به دست آورد بسیار بیشتر بود. تحریم‌های جهانی می‌تواند اقتصادهای نسبتاً کوچک و آسیب‌پذیر ایران و کره شمالی را ویران کند. حتی تحریم‌های آمریکا به تنهایی و امواج ناشی از آن می‌تواند به تهران و پیونگ یانگ آسیب برساند. (Hanson, 2018)

۷) نقاط افتراق و اشتراک اتاق‌های فکر جهت‌دهنده به اوباما و ترامپ

۱) اتاق‌های فکر خواهان تغییر رژیم: شاخصه این اتاق‌های فکر مخالفت با جمهوری اسلامی ایران است. مهمترین آنها بنیاد دفاع از دموکراسی است که این موسسه از بارزترین مخالفان مذاکره با ج.ا.ایران بوده است و خواهان فشار و تحریم بیشتر برای تغییر رژیم در ایران است. تحریم‌ها و فشارهایی که در دوران اوباما وجود داشت متأثر از بنیاد دفاع از دموکراسی بود. در دوران ترامپ تأثیری‌پذیری از بنیاد

دفاع از دموکراسی ادامه پیدا کرد. دو اتاق فکر هریتج، مؤسسه امریکن اینترپرایز و موسسه هوور به اتاق‌های مؤثر بر تصمیمات ترامپ اضافه شد و افراد زیادی از بنیاد هریتج به عنوان همکاران ترامپ برگزیده شدند. این اتاق‌های فکر از ابتدا مخالف برجام بودند و این مخالفت سرانجام منجر به خروج یک طرفه آمریکا از برجام در دوران ترامپ شد. با خروج از برجام سیاست افزایش فشار و تحریم بر ج.ا.ایران دنبال شد که تا پایان دوران ترامپ ادامه پیدا کرد. موسسه هوور ضمن حمایت از خروج ترامپ از این توافق معتقد است با تحریم‌های اقتصادی و حمایت از گروه‌های مخالف ایران ابتدا می‌توان از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای جلوگیری کرد و نفوذ ایران در منطقه را کاهش دهد و در دراز مدت زمینه تغییر حکومت در ایران را فراهم نماید.

۲) اتاق فکرهای خواهان مذاکره و سازش: شاخصه این اتاق‌ها، مذاکره با جمهوری اسلامی ایران، این موسسات برخلاف دسته اول معتقدند با فشار و تحریم آمریکا نمی‌تواند ایران را مهار کند و از قدرت هسته‌ای و کنش‌ها و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند، تصمیمات اوپاما متأثر از این دسته اتاق‌های فکر در قبال جمهوری اسلامی ایران بوده است و مهمترین موسسه بروکینگز است که بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری اوپاما گذاشت و نتیجه آن مذاکره با ایران و سرانجام تفاهم‌نامه برجام بین ج.ا.ایران و گروه موسوم به ۵+۱ شد. در شورای روابط خارجی و بنیاد کارنگی اعتقاد بر این است با مذاکره و دخالت ایران در مناسبات منطقه‌ای می‌توان موجبات مهار و بازدارندگی ایران را فراهم آورد و نظرات این اتاق‌های فکر تأثیر بسزایی در تصمیمات اوپاما در قبال ایران داشته است.

این مطلب به صورت خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است:

نام اتاق فکر	تأثیر بر اوپاما	تأثیر بر ترامپ	خواهان مذاکره با ایران	خواهان تغییر رژیم در ایران
بنیاد دفاع از دموکراسی	✓	✓	✗	✓
بروکینگز	✓	✗	✓	✗
بنیاد کارنگی	✓	✗	✓	✗
شورای روابط خارجی	✓	✗	✓	✗
بنیاد هریتج	✗	✓	✗	✓
مؤسسه امریکن اینترپرایز	✗	✓	✗	✓
موسسه هوور	✗	✓	✗	✓

جدول ۱ این علامت ✓ به نشانه مثبت و علامت ✗ به نشانه منفی است.

نتیجه گیری

تأثیر اتاق‌های فکر بر تصمیمات روسای جمهور در ایالات متحده دو سویه است. به طور واضح رئیس جمهور با توجه به برنامه‌هایی که از دوران رقابت‌های انتخاباتی ارائه می‌کند و افرادی که در پیروزی در انتخابات کمک می‌کنند با اتاق‌های فکری در ارتباط هستند که نظراتی همسو با برنامه‌ها او دارند و بیشتر همان اتاق‌های فکر با ایده‌ها و نظرات و ارائه گزارش‌ها به او بر تصمیمات رئیس جمهور تأثیر می‌گذارند. اتاق‌های فکر دارای رویکردهای متفاوت، فراحزبی، دوحزبی، جمهوریخواه و نئومحافظه‌کار، دموکرات و مستقل هستند.

در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۲۱ که اوپامای دموکرات و ترامپ جمهوریخواه رؤسای جمهور آمریکا بوده‌اند. اتاق‌های فکر مطرح همچون شورای روابط خارجی، بروکینگز و کارنگی در موقع پیروزی اوپاما در توصیه‌هایشان اوپاما را تشویق به مذاکره با ایران کرده بودند. این اتاق‌های فکر معتقد بودند با مذاکره و دخالت دادن ایران در ترتیبات منطقه‌ای رفتار ایران متعادل شده و از افزایش نفوذ در منطقه و دستیابی به بمب هسته‌ای اجتناب خواهد کرد. اوپاما در ابتدا با دیدگاهی همه‌جانبه‌گرایانه با اجماع‌سازی بین‌المللی سخت‌ترین تحریم‌ها ذیل شورای امنیت سازمان ملل را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند. پس از این که اوپاما متوجه شد تحریم‌ها موجبات کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار هسته‌ای ایران را فراهم نیاورده‌است با توجه به نظر اتاق‌های فوق‌الذکر با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ایران، اوپاما که مذاکرات را شروع کرده بود با استقبال از این موضوع سطح مذاکرات بین دو طرف افزایش داد. این مذاکرات منتج به تفاهنامه موسوم به برجام در سال ۲۰۱۵ بین ایران و ۱+۵ شد. همزمان اتاق‌های فکر بنیاد ملی دموکراسی، هریتیج، ایترپرایز و هوور مخالف این تفاهم بودند. این اندیشکده‌ها معتقد بودند با این تفاهم پولهای بلوکه شده ایران آزاد شده و زمینه توسعه اقتصادی ایران را فراهم کرده و دستیابی ایران به بمب هسته‌ای را تسریع کرده و نفوذ ایران در منطقه افزایش پیدا خواهد کرد و خواهان افزایش تحریم‌ها تا تغییر رژیم در ایران و حتی برخی استفاده از دخالت نظامی را توصیه می‌کردند. ترامپ که در شعارهای خود بر لزوم بازنگری برجام تأکید داشت با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ابتدا تیلرسون را به عنوان وزیر خارجه انتخاب کرد. در این زمان افرادی از اتاق‌های فکر بنیاد ملی دموکراسی، هریتیج و ایترپرایز در دولت آمریکا نقش آفرینی می‌کردند یا در ارتباط نزدیک بودند از جمله جان بولتون پژوهشگر ایترپرایز که حتی ترامپ را تشویق به حمله نظامی به ایران می‌کرد. ترامپ که فردی عملگرا بود پس از چند بار تمدید موقت برجام با تغییر تیلرسون موافق برجام و انتخاب پمپئو همسو و همفکر خود به طور یک طرفه از

برجام خارج شد. تبیین این تحقیق این موضوع را واضح کرد که اتاق‌های فکر پس از پیروزی رئیس‌جمهوری همفکر خود با راهکارهای مختلف او را در جهت مدنظر هدایت می‌کنند. اتاق‌های فکر فراحزبی، دوحزبی و مستقل اوپاما را به سمت مذاکره با ایران هدایت کردند و اتاق‌های فکر جمهوریخواه و نئومحافظه‌کار ترامپ را به خروج از برجام و تحریم بیشتر ایران تشویق و هدایت کردند. در این تحقیق از روش مقایسه‌ای استفاده شده است و همین‌طور از نظریه تصمیم‌گیری آلیسون بهره برده شده است.

کتابنامه

امام جمعه‌زاده، سید جواد و بابایی، مجتبی (۱۳۹۴)، «نقش اتاق‌های فکر در اعمال تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۹۱-۱۱۴.

امیدی، علی (زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷)، «چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه‌ای: مطالعه موردی روابط ایران و سوریه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۴ و ۱.

آقاجانی، احمد و عسگری، محمود (۱۳۹۰)، «نقش‌آفرینی اتاق‌های فکر در سیاستگذاری دفاعی-امنیتی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۲.

پورحسن، حسن، قنبری، لقمان، رضایی، زهرا (۱۳۹۷)، «بازشناخت راهبرد قدرت هوشمن دولت اوپاما علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وپنجم، شماره نودوپنجم، صص ۳۴۱-۳۶۸.

پورسعید، فرزاد، شاپوری، مهدی (۱۳۹۷)، «دولت ترامپ و شوروی‌سازی جمهوری اسلامی ایران؛ چرایی و چگونگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره سوم، صص ۵۷-۱۰۱.

پوستین‌چی، زهره، متقی، ابراهیم (۱۳۹۳)، ایران در نگرش اطاق‌های فکر آمریکایی، تهران، نشر میزان.

حسینی متین، سید مهدی (۱۳۹۱)، رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران.

خلیلی، رضا (۱۳۹۵)، «پیامد منطقه‌ای و بین‌المللی برجام؛ رویکردی استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، صص ۱۳۱-۱۵۸.

رستمی، فرزاد و نادری، مسعود (۱۳۹۵)، «برجام، پرونده اتمی و بسته‌های امنیتی‌سازی و، غیر امنیتی‌سازی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره بیست و هفتم، صص ۱۸۷-۲۱۸.
رومی، فرشاد، کاظمی، احسان (۱۳۹۷)، «مواجهه ایران و آمریکا؛ راهبردها و تاکتیک‌ها (راهکنشها)، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره چهارم.

سایت اینترنتی شبکه خبر، ۲۸ تیر ۱۳۹۲، «نصیحت اندیشکده آمریکایی بروکینگز به اوباما درباره ایران»، <https://www.irinn.ir/fa/news/22317>. مراجعه ۱۴۰۰/۷/۲۰.

سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۵)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.

صالحی، علیرضا (۱۳۹۲)، نگاهی به ساختار و فرایند تصمیم‌سازی در نظام سیاسی آمریکا، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

طباطبایی، سیدمحمد، منتظری، حمیدرضا (۱۳۹۷)، «مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، پژوهش‌نامه‌ی ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۷، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۲.

عبداله، عبدالمطلب و اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۲)، «راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر؟! مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مسئله هسته‌ای ایران»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی ایران، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۰۳-۱۲۳.

قادری کنگاوری، روح‌الله و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان سیاست خارجی باراک اوباما در قبال جهان اسلام»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره جدید-سال سوم، شماره ششم، صص ۹۵-۱۱۴.

قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و قدیمی، اکرم (۱۳۹۱)، «بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، صص ۵۵-۸۲.

ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، «قدرت داخلی، بنیان قدرت خارجی: بررسی سند استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در دوره اوباما»، کتاب آمریکا (۱۰) ویژه استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد؛ نظارت و تدوین مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

موسوی، سیدمحمدعلی؛ کدخدایی، الهام؛ فاطمه، شفیعی سروستانی (۱۳۹۰) «مدلسازی روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا». فصلنامه روابط خارجی. سال سوم. شماره دوم. صص ۳۸-۷.

نوری، وحید، حسینی، سید حسن (۱۳۹۸)، «فردگرایی در سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ: نتایج و پیامدها»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره ۶، صص ۲۱۶-۱۷۹.

هاس، ریچارد (۱۳۸۷)، «خاورمیانه کلید تغییرات اوباما»، زمانه، شماره ۷۸.

Abelson, Doland. (2006). *A Capital Idea: Think Tanks and US Foreign Policy*. McGill-Queen's University Press Publishing.

Adesnik, David and Saeed Ghasseminejad (September 10, 2018) *Foreign Investment in Iran: Multinational Firms' Compliance with U.S. Sanctions*. at: https://www.fdd.org/wpcontent/uploads/2018/09/MEMO_CompaniesinIran.pdf. (12 October 2021)

Dubowitz, Mark (September 26, 2017) *How Trump Can Improve the Iran Deal* at: <https://www.fdd.org/analysis/2017/09/26/how-trump-can-improve-the-iran-deal/>. (12, October, 2021)

Ettlinger, Aaron (2018) *Trump's National Security Strategy: "America First" meets the establishment*, *International Journal*, Vol. 73(3) 474-483.

Hanson, Victor (2018). *U.S. Has Leverage in Dealings with Iran and North Korea*, Available at: <https://www.chicagotribune.com/opinion/commentary/ct-perspec-hanson-victor-davis-0524-story.html>.

Jiangli Sua. (March 2016) "Think Tanks in the United States: The Evolution and Evolving Roles" *Sociology Study*, , Vol. 6, No. 3, 176-185 doi: 10.17265/2159-5526/2016.03.003.

Johanson, Chalmers (2004), "The Sorrows of Empire", New York: Metropolitan Books.

Mann, James. (2004). *Rise of the Vulcans*. New York: Penguin.

Olivier Urrutia, (2013) "The role of Think Tanks in the definition and application of defence policies and strategies" *Revista Del Instituto Español de Estudios Estratégicos*, Núm. 2.

Tarelin, Andrei. (2012). *Political and academic community in the USA: genesis* *Vestnik MGIMO-Universiteta* (1): 90-7.

Tepperman, Jonathan (2012), ‘‘The Perils of Piecemeal Intervention’’,
www.nytimes.com/2012/03/09/opinion/The-Perils-of-Piecemeal, March
8.

Trump, Donald J (May 8, 2018) Remarks by President Trump on the Joint
Comprehensive Plan of Action, The White House,
[www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-
jointcomprehensive-plan-action/.](http://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-jointcomprehensive-plan-action/), (12 October 2021)

Woodward, Bob. (2002). Bush at War. New York: Simon & Schuster.